

* دکتر زهرا ریاحی زمین
(استادیار دانشگاه شیراز)

حکیده:

نویسنده‌ی مقاله، که این کتاب را قبلاً تصحیح، شرح و آماده‌ی چاپ ساخته است، ضمن معرفی کتاب و مؤلف آن و تشریح اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر تألیف کتاب، به ویژگی‌های منحصی آن پرداخته است. بخش معرفی کتاب و منحصی آن از نظر تالیف می‌گذرد.

عتبة الکتبه، وجه
تسمیه، ترمیم، نشر فنی، مکاتیب
دیوانی، سلطان سنجر

نقد
آموزش زبان
و ادب فارسی

♦ دوره‌ی بیستم
♦ شماره‌ی ۲
♦ زمستان ۱۳۸۵

مقدمه

این کتاب نمونه‌ی شاخص و برجسته‌ای از ترسَل و نامه‌نگاری درباری است. ترسَل و نامه‌نگاری یکی از مشاغل مهم دربارهای ایران در گذشته‌ی دور بوده است. این فن آن گونه که ابن ندیم در الفهرست بیان می‌کند در ایران قبل از اسلام نیز وجود داشته است. چه او تعداد زیادی مکتوبات را برمی‌شمارد که متعلق به روزگار ساسانیان از جمله اردشیر، شاپور، قباد، انوشیروان و خسرو پرویز است، که از طرف شاه یا وزیر در قالب منشور، فرمان حکومتی، فتح‌نامه، امان‌نامه، و دیگر انواع مکاتیب به افراد مختلف از پادشاهان و شاهزادگان و وزرا و بزرگان و زعمای رعیت و... نوشته شده است.

ماهیت کتاب عتبه الکتبه

این کتاب که مجموعه‌ی مراسلات دیوان سلطان سنجر سلجوقی است، به گفته‌ی مؤلف، به فرمان یکی از وزرای سلطان سنجر که از او به عنوان «خداوند صاحب عالم عادل کبیر، ناصرالدین صدرالاسلام و المسلمین ملک الوزراء»^۱ یاد می‌کند برای فرزندش قوام‌الدین نظام‌الاسلام جمع‌آوری شده است. این شخص بی‌شک ابوالفتح ناصرالدین طاهر بن فخرالملک المظفر بن نظام‌الملک

پارسی‌اش را از او طلب می‌کردند و چون او معتقد نبوده که آن چه می‌نویسد می‌تواند مورد استفاده‌ی دیگران واقع شود آن‌ها را نگه نمی‌داشته است. وقتی اصرار دوستان از حد می‌گذرد و برای این که به صفت بخل و امساک منسوب نشود، آن چه را در دسترس داشته گردآوری می‌کند و به فرمان وزیر سنجر به صورت کتاب مذکور شکل می‌دهد.^۲

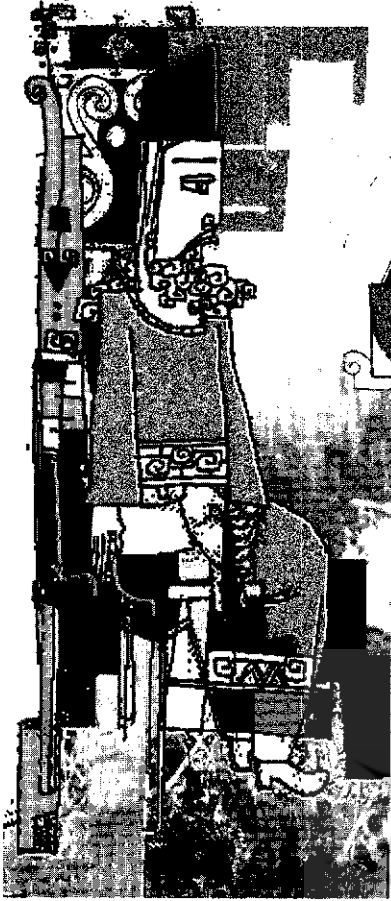
اغلب مناشیر و مکتوبات و فرمان‌های کتاب یا به استناد تاریخی که در آن‌ها ذکر

طوسی است که در جمادی‌الاولی سال ۵۲۸ هجری پس از آن که قوام‌الدین ابوالقاسم درگزینی، وزیر سنجر، در عراق به دار آویخته شد به وزارت سنجر رسید و پس از آمدن طایفه‌ی غز و ظهور فتنه‌ی ایشان در ذی‌حجه‌ی سال ۵۴۸ هجری وفات یافت.^۳ بنابراین تاریخ کتابت عتبه الکتبه باید در فاصله‌ی سال‌های ۵۲۸ تا ۵۴۸ هجری بوده باشد.

منتجب‌الدین در مورد جمع‌آوری آن می‌گوید دوستان و بزرگان نسخه‌ی تازی و

عَبَّةُ الْكُتَّابِ

و منتجب‌الدین بدیع جوینی



راهنمای آموزش زبان و ادب فارسی

شماره ۱۴۱ بهار ۱۳۸۵

معاصرین خاندان سلجوقی بسیار اندک است و از حوادث و رجال مهم این دوره گزارش‌های محدودی به دست ما رسیده، این کتاب در نهایت درجه‌ی اهمیت قرار دارد. در مکاتیب این کتاب مطالبی وجود دارد که به کمک آن می‌توان نقاط تاریک تاریخ را روشن کرد. در این مجموعه از امور و جریاناتی صحبت شده که در تاریخ ثبت نشده است؛ به عنوان مثال از عزل و نصب‌های متعددی که از جانب سلطان سنجر صورت گرفته است، در اکثر کتبی که در مورد تاریخ سلاجقه نوشته شده اثری دیده نمی‌شود اما در این کتاب موجود است. در کتاب از افرادی سخن رفته که در روزگار خود مشهور و شناخته شده بوده‌اند اما در تاریخ‌ها اشاره‌ای بدان‌ها نشده است و با مطالعه‌ی این کتاب می‌توان به هویت واقعی آن‌ها پی برد. در مورد آداب و رسوم

ترکیب پله و درجه و پایه است و غرض این بوده که این مجموعه منشآت، به منزله‌ی مراقی و درجاتی است مر طالبان صنعت انشا را که به واسطه‌ی ممارست و مزاولت آن متدرجاً از فروترین پایه‌ی آن صنعت به بالاترین درجات آن ارتقا خواهند جست. ۷. عبته‌الکتبه شامل یک دیباچه و یکصد و پنج مکتوب است که از این تعداد، سی و نه مکتوب نخستین آن مناشیر و امثله و سلطانیات؛ یعنی مکاتیبی است که از جانب سلطان سنجر به سلاطین و حکام و ملوک اطراف فرستاده شده و بقیه؛ یعنی شصت و شش مکتوب بعد، در ذیل نوع اخوانیات جای گرفته است. رسالات اخیر شامل نامه‌های شخص منتجب‌الدین است به افراد مختلف از سلطان، وزیر، مقامات دربار، افاضل، علما، دانشمندان، زهاد، عباد و افرادی که به نحوی با او در تماس و ارتباط بوده‌اند.

اهمیت و سبک کتاب

عبته‌الکتبه از دو جهت حائز اهمیت است. یکی از جهت نثر کتاب که نمونه‌ای بسیار ارزشمند از انشای نثر فارسی در دستگاه‌های دولتی سلاجقه در قرن ششم است و دیگر از جهت اطلاعات مهم تاریخی و فرهنگی و اجتماعی، که این کتاب حاوی آن‌هاست. اما در خصوص اطلاعاتی که از کتاب حاصل می‌شود باید گفت از آن‌جا که اطلاعات موجود درباره‌ی

شده و یا بنا بر اشاراتی که در آن‌هاست؛ مثلاً جملات دعایی برای طول عمر سلطان و بقای دولت، مربوط به زمان حیات سلطان سنجر است. تنها دو مکتوب در کتاب وجود دارد که به جانشین سنجر، سلطان محمود بن محمد بن ملک‌شاه سلجوقی، نوشته شده و از او با لقب رکن‌الدین و الدین یاد گردیده است. در یکی از این دو مکتوب، منتجب‌الدین درگذشت سنجر و به سلطنت رسیدن سلطان محمود سلجوقی را بدو تسلیت و تهنیت گفته است. ۴. و در دیگری ضمن مدح محمود، از این‌که به علت نگاه داشتن رعایا و مصالح ایشان و انجام عبادات و طاعات از خدمت دیوانی دورافتاده طلب عفو و بخشایش نموده است. ۵.

در مورد نام کتاب، خود مؤلف، منتجب‌الدین مرجع، کاتب سلطان سنجر در قرن ششم، صراحتاً آن را «عبته‌الکتبه» می‌نامد، آن‌جا که می‌گوید: «این مجموعه را عبته‌الکتبه نام نهاده شد به امید آن‌که دانشمندان این صنعت و شناسندگان این بضاعت تأمل در آن به نظر عنایت و شفقت فرمایند. ۶»

اما در مورد وجه تسمیه‌ی کتاب به این نام، علامه قزوینی معتقد است که یا مقصود نوعی تواضع و فروتنی بوده است؛ یعنی که این مجموعه به منزله‌ی آستانه‌ای است مر دبیران را که همه بر آن پای می‌نهند و می‌گذرند، یا آن‌که شاید مراد از عبته در این

درباری و اجتماعی مرسوم دوره‌ی سنجری نیز مطالبی آمده که توجه بدان‌ها برای آشنایی بیش‌تر با فضای اجتماعی موجود آن زمان ضروری است. کتاب، بیانگر بسیاری از قوانین و مقرراتی است که در دستگاه‌های دولتی حکم فرما بوده و متصدیان امور ملزم به رعایت و حفظ آن‌ها بوده‌اند. در برخی مکتوبات، پاره‌ای از وظایف و اختیارات افراد مختلف، اعم از قاضی، حاکم، خطیب، پیشوای مذهبی، والی، شحنه، مستوفی، مشرف، عارض، مقطع و تیول‌دار، متصرف، رعیت و... بیان شده که با نگرشی بر آن‌ها می‌توان به خوبی چهره‌ی اجتماع آن زمان را در ذهن ترسیم کرد. بسیاری از مکتوبات، آینه‌ی روشنی از روابط اجتماعی افراد است و پیوندی را که بین طبقات مختلف اجتماع وجود داشته نشان می‌دهد. با مطالعه‌ی کتاب می‌توان اعتقادات و باورهای مذهبی و اخلاقی حاکم بر اجتماع آن روز را به خوبی دریافت. بنابراین، در کل باید گفت کتاب از دیدگاه‌های مختلف سیاسی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی درخور اهمیت و اعتبار است و ارزش ژرف‌نگری و تعمق و تفحص جدی را دارد.

در مورد
سبک کتاب
گفتنی است که

عنه‌الکتابه در نیمه‌ی اول قرن ششم نگارش یافته است. بنابراین، با استناد به طبقه‌بندی دوره‌ای نشر مرحوم بهار در کتاب سبک‌شناسی، این کتاب متعلق به دوره‌ی دوم نثر فارسی است که در نهایت به شیوه‌ی نثر فنی متصل می‌شود.

مستجب‌الدین از صنایع لفظی و معنوی که شعرا و نویسندگان این دوره در آثار خود به وفور از آن‌ها استفاده کرده‌اند به طور متعادل بهره گرفته است و گذشته

از موارد لزوم سعی نموده کلمات و عبارات خود را در نهایت سلاست و در عین حال جزالت بیان کند. او معتقد است وظیفه‌ی دبیر بیان مقصود و مطلوب سخن است و اگر به صنایع متکلف لفظی و معنوی بپردازد از مقصود دور می‌ماند. کلام او در این مورد چنین است: «مُفْلِقَان و بُلْغَايِ رُوْزْگَارِ، سَخْنِ نَثْرِ [رَا] اَز تَكْلَفِ سَجْعِ و اِیرَادِ قِرَائِنِ مِصُونِ دَاشْتَه‌اَنْد اَلَا کَه قِرِیْنَه و سَجْعِی بَی تَكْلَفِ اِیرَادِ، مَتَعَاقِبِ

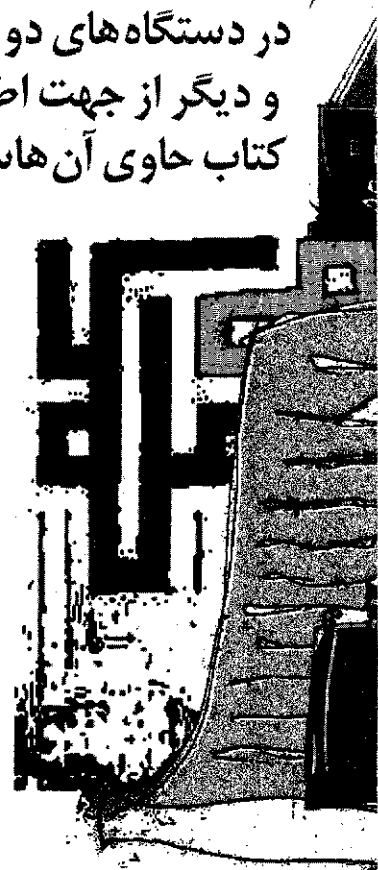
و متواتر گردد که آن پسندیده دارند به سبب آن که چون دبیر خاطر بر سجع و تتبع قوافی گمارد از مقصود سخن و مطلوب فحوا بازماند و از جاده‌ی غرض در مضله‌ی اطناب و تطویل بی‌فایده افتد و بلاغت در سلاست لفظ و ایجاز معنی است.^۸

به همین دلیل بر نوشته‌های او بیش از هر چیز استحکام و جزالت توأم با سادگی حکم فرماید. او در مواردی از سجع،

عُتْبَةُ الْكُتْبَةِ از دو جهت حائز اهمیت است: یکی از جهت نثر کتاب که نمونه‌ای بسیار ارزشمند از انشای نثر فارسی در دستگاه‌های دولتی سلاجقه در قرن ششم است و دیگر از جهت اطلاعات مهم تاریخی و فرهنگی و اجتماعی، که این کتاب حاوی آن‌هاست

کاربرد فراوان اصطلاحات خاص دیوانی و لغات و ترکیبات نادر و کهن فارسی در آن است که کتاب را به صورت مجموعه‌ای با ارزش از این قبیل کلمات درآورده است. گفتنی است این اثر مهم، که تقریباً تنها یادگار انشایی و ترسلی نثر باقی مانده از دربار سنجر و عموماً سلاجقه در قرن ششم است، تاکنون چندین مورد اقبال ادب‌دوستان قرار نگرفته و تنها کار ارزشمند و بزرگ‌ترین کاری که می‌توانست در مورد آن انجام شود کار سترگ استاد علامه‌ی قزوینی در احیای نسخه‌ی منحصر به فرد خطی آن است. نگارنده‌ی این سطور نیز متن موجود عتبه‌الکتبه را تصحیح و شرح و آماده‌ی چاپ کرده است.

جناس و استعاره استفاده کرده اما سخن را به ابتذال نکشاند است. آن‌چه به طور مشهود و ملموس در کلام منتجب‌الدین دیده می‌شود اطناب است. استاد بهار معتقد است این اطناب‌ها لازم و ملزوم مکاتبات دیوانی است. ایشان اعتقاد دارند شیوه‌ی این مراسلات بر پایه و اساس نثر ابوالمعالی غزنوی در کلیله و دمنه است؛ جز آن‌که آسجاج و اطناب‌ها در عتبه‌الکتبه زیاده‌تر است و در کلیله و دمنه کم‌تر.^۹ نثر عتبه‌الکتبه مصداق واقعی سخن سعد و راوینی در مرزبان‌نامه است که گفت: «لطف از متانت در آویخته و جزالت با سلاست آویخته»^{۱۰}. نکته‌ی مهم سبکی در مورد این کتاب



آموزش زبان و ادب فارسی
دوره بیستم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۵

منابع و مأخذ

۱. بنداری اصفهانی، زبده‌النصره و نخبة‌العصره، ترجمه‌ی محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶
۲. بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹
۳. بیهقی (معروف به ابن فندق)، ابوالحسن علی بن زید، تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمنیار، مقدمه‌ی میرزا محمدبن عبدالوهاب قزوینی، چاپ دوم، تهران: چاپخانه‌ی اسلامی، ۱۳۱۷
۴. تویسرکانی، قاسم، نامه‌های رشیدالدین طوطا، تهران: دانشگاه تهران، اسفندماه ۱۳۳۸
۵. جوینی، علاءالدین عظاملک بن بهاء‌الدین محمدبن محمد، تاریخ جهانگشای، به اهتمام محمدبن عبدالوهاب قزوینی، هلند، لیدن: مطبعه بریل، ۱۳۲۹ هـ. ۱۹۱۱ م
۶. جوینی، مؤیدالدوله منتجب‌الدین بدیع‌اتابک، عتبه‌الکتبه، تصحیح محمد قزوینی، عباس اقبال، تهران: شرکت سهامی چاپ، مردادماه ۱۳۲۹
۷. راوندی، محمدبن علی بن سلیمان، راحة‌الصدور و آية‌السرور، تصحیح محمد اقبال، مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر، دی ماه ۱۳۳۳
۸. سمرقندی، دولتشاه بن علاءالدوله، تذکرة‌الشعراء، به همت محمد رمضان، تهران: خاور، ۱۳۳۸
۹. شیبانی (معروف به ابن اثیر)، عزالدین ابی الحسن علی بن ابی‌الکریم محمدبن محمدبن عبدالکریم بن عبدالواحد، الکامل فی‌التاریخ، بیروت: دار صادر، دار بیروت، ۱۳۸۷ هـ. ۱۹۶۷ م
۱۰. عوفی، محمد، لباب‌الالیاب، تصحیح سعید نفیسی، تهران: اتحاد، اسفندماه ۱۳۳۵
۱۱. فروزانفر، بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، چاپ دوم، تهران: خوارزمی، شهریورماه ۱۳۵۰
۱۲. قزوینی، محمد، مقالات قزوینی، گردآورنده عبدالکریم جریزه‌دار، چاپ اول، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳
۱۳. وراوینی، سعدالدین، مرزبان‌نامه، به کوشش دکتر خلیل خطیب‌رهبر، چاپ دوم، تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۳۶

یادداشت‌ها

۱. عتبه‌الکتبه، ص ۵
۲. زبده‌النصره، ص ۳۲۵؛ کامل ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۷۹؛ راحة‌الصدور راوندی، ص ۱۶۷
۳. عتبه‌الکتبه، ص ۵
۴. عتبه‌الکتبه، ص ۱۲۶
۵. عتبه‌الکتبه، صص ۱۲۹-۱۳۰
۶. عتبه‌الکتبه، ص ۵
۷. مقدمه‌ی عتبه‌الکتبه، ص ۳؛ مقالات قزوینی، ص ۵۳۴
۸. عتبه‌الکتبه، ص ۱
۹. سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۳۷۸
۱۰. مرزبان‌نامه، ص ۱۰